**بسم اللّه الأمنع الأقدس**

از آنجائيکه هميشه صبح ميديدم تلاوت ميفرموديد "آمَنْتُ بِسِرِّ آل مُحَمَّد (ص)" خواستم کشف غطاء شود که عمل مطابق ذکر قولى شود از وقت نزول قرآن تا نوزده ٦٦ سنه که عدد اللّه باشد ظاهر آل محمّد که هر ٦٦ حول يک حرف بسم اللّه الرّحمن الرّحيم گذشت و چهار سنه مزيد بر صورت جميع کلمه بود که بزمان شيعه خالص گذشت اعنى حاج سيد کاظم - صلوات اللّه عليه و سلامه - و از اين جهت بود که حروف بسم اللّه الرّحمن الرّحيم که کل قرآن در او است نزد او جمع شدند و ١٩ روز باول ظهور سرّ مانده بملأ اعلى و اصل و اول سنه ١٢٦٠ اول ظهور سرّ بوده و از اين جهت بود نزول کلمه "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ" بعد از عدد نفى اثبات سنه ١٢٦٠ ختم ميشود و بدء ظهور سرّ محمّد و آل محمّد صلوات اللّه ثمّ کلّ بهائه ميشود و چونکه ظهور سرّ ظهور اللّه است نه ظهور بشأن نبوت و ولايت بل بظهور ربوبيت از آن جهت بود که ظاهر شد بظهور ﴿إنَّنِي أَنَا اللّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا﴾ در حين ظهور اول کسيکه باو بيعت کرد محمّد بود چنانچه نص حديث است بعد أمير المؤمنين (ع) بعد أئمّه - عليهم السّلام - و اين است سرّ آيه ﴿إذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيْهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشْرَ کَوْکَبًا وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ رَأَيْتُهُمَ لِي سَاجِدِينَ﴾ و بدانکه عدد يوسف ١٥٦ عدد قيوم است و مراد قائم آل محمّد - عليه السلام -است و اوست حى قيوم و ازين جهت بود در بدء ظهور سوره اسم خود را تفسير کرده هر سوره را در آيه از قرآن عنوان فرمود تا اشاره باشد بر اينکه اوست نقطهء فرقان در باء بسمله که در حديث است که کل قائم باو است و چهل آيه بديعه قرار داده که اشاره باشد بعدد لى در آيه ﴿رَأَيْتُهُمَ لِي سَاجِدِينَ﴾ سوره ذوى القربى را خواندهء که فضل ما از قبل بوده ولى از آنجائيکه ظهور ظهور نار اللّه بوده در قيامت که اعنى رکن لا إله إلّا اللّه که مقام بسم است و محمّد رسول اللّه رکن هواست و على و ائمه حجج اللّه رکن باء است که متعلق باسم رحمن است و رکن تراب متعلق باسم رحيم است که بآن خلق ميشوند بر فطرت لا إله إلّا اللّه در رکن ثانى رزق داده ميشوند و بثالث ميميرند و برابع زنده ميشوند و اشخاصى که هميشه ميخوانند "رضيت باللّه ربًّا" هرگاه صادق بودند در قيامت داخل نار اللّه ميشدند زيرا که در قرآن بود "فبأيّ حديث بعد اللّه وآياته يؤمنون" و همه مقرّ بودند که غير اللّه قادر نيست آيه نازل فرمايد که اگر اين امرى بود که از شأن بنده بود از يوم نزول قرآن تا سنه ١٢٦٠ که هزار و دويست و هفتاد گذشت کسى آمده بود و آورده بود همين قدر که کسى آورد دليل است که غير از خداوند نيست بل از قبل اوست و دليل واقع "وجوده إثباته ودليله آياته" و همين است معنى عرفتک بک در دعا و "أعرفوا اللّه باللّه" در حديث و معنى "اللّهمّ عرّفني نفسک" الخ و ما شناسانيديم مردم را نفس خود ولى کسى مشعر نشد و قدر ندانست و اول کسيکه رجعت بدنيا کرد رسول خدا بود و او است اوّل رسول قائم بعد أمير المومنين بود که رسالت طرف بوشهر را فرمود نزد شما و نشناختيد نظر بروز اول کنيد که هفت سال غير او ايمان برسول خدا نياورد و نداشت و امروز چقدر مدعى ايمان هستند و لابد است معنى حديث "سيرجع الإسلام غريبًا کما بدء فطوبى للغُرباء" کذلک سائر اهل بيت رجوع کردند و خداوند بوعده خود وفا فرمود ﴿وَنُرِيْدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى‌الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا﴾ الخ و دو مرتبه قائم که لسان اللّه است ائمه ايشانرا الحاصل قيامت صغرى برپا شد و يوم مقداره خمسين الف سنه ظاهر شد و کلّ شيء حشر و نشر شد و ظاهر شد قول اللّه ﴿وَکُلُّ شَيءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ و کل جزا داده شدند و اعمالشان رَاهِبًا مَنْثُورًا کرديم اين است معنى آيه که اگر ما على الأرض ندا دهند نجات از فزع و آنچه در قيامت هست نمييابند چه مال و چه علم که ثمر ندارد اين است معنى ﴿فَللّهِ المَکْرُ جَمِيعًا﴾ در لباس عبوديت ظاهر ميشود بحجتى که دين ايشان برپاست و شاهد ميگيرد هر نفسى را بر عملش فرق نار و نور عدد باب است هر کس داخل در نور است و الا در نار است امروز اهل جنت و نار را بهمين بشناسيد .